



# شدهای دانش آموزان شهرستان خرمه میناب

**عنوان مقاله :**

**بمباران مدرسه میناب از منظر قوانین بین المللی**

**نویسنده:**

**محمود رشنواز**

**دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی ، دبی، امارات**

**(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه)**

۱۴۰۴/۱۲/۲۸

## بمباران مدرسه میناب از منظر قوانین بین‌المللی

از دورانی که جهان وارد حوزه‌ی هنجارگذاری در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل شد، توجه خاص و ویژه‌ای به حقوق کودکان وجود داشته است. حقوق کودکان به جهات مختلف در مخاصمات مسلحانه و نیز از سوی برخی از حاکمیت‌های نقض شده و این گروه‌های انسانی بدون اینکه توانایی دفاع از حقوق اولیه‌ی خود را داشته باشند و یا اینکه در این درگیری‌ها، دخیل بوده باشند، در موارد زیادی آماج حملات مسلحانه و نقض حقوق بشری خود بوده‌اند. کودکان را می‌توان در کنار گروه‌های دیگر مانند زنان و معلولان از جمله طبقات آسیب‌پذیر بخصوص در جریان تحولات سیاسی، اجتماعی و نظامی دانست. اعلامیه‌های حقوق بشری تاکید فراوان بر حفظ حقوق این گروه انسانی دارند و نیز کنوانسیون‌های بین‌المللی خاص نیز در حمایت از حقوق کودکان وضع شده و البته مورد استقبال دولت‌ها قرار گرفته است. تابعان حقوق بین‌الملل به خوبی می‌دانند که حفظ نسل انسان و تداوم صلح و گسترش پیشرفت‌های بشری نیازمند به این کودکانی است که آینده‌ی جهان را در دست خواهند گرفت، مضافاً بر اینکه هیچ توجیهی وجود ندارد که دولتی بخواهد حقوق کودکان را به رسمیت نشناسد و یا نقض آن را مشروع بداند. با این حال در سال‌های گذشته، ما شاهد آن هستیم که حقوق اولیه و بشری کودکان به انحاء مختلف نقض می‌شود. هنگامی که از نقض حقوق کودکان سخن می‌گوییم، شاید بارزترین رفتارهای مصداق آن را می‌توانیم در عملکرد رژیم صهیونیستی اسرائیل سراغ بگیریم، کودکان فلسطینی، هدف مستقیم حملات نظامی این رژیم قرار می‌گیرند و این رژیم را با عنوان کودک کش و کودک خوار به جهانیان معرفی می‌نماید. این صفاکی به غزه و فلسطین محدود نشده است. رژیم نحس در دومین تجاوز غیرقانونی خود به خاک ایران و در اولین روز از تجاوز خود به همراهی دولت آمریکا، یک مدرسه را در میناب مورد حمله قرار داد و بیش از ۲۰۰ کودک و معلم را در این مدرسه به خاک و خون کشید. اتفاقی که جهانیان را به حیرت وا داشت، نه اشتباهی صورت گرفته بود و نه فریب و صحنه سازی در کار بود. واقعیتی تلخ که گذر هزاران سال نیز نمی‌تواند گرد غم جانکاه آن را بزدايد. حال باید دید نظام حقوقی بین‌المللی در مواجهه با این جنایت بزرگ و هولناک در تاریخ نه چندان طولانی خود، چه قوانین و مقرراتی را برای محکومیت آن و مجازات عاملانش ارائه داده است. حقوق بین‌المللی که مدعی است مدافع صلح جهانی و حقوق بشر است.

منشور ملل متحد با هدف حفظ صلح جهانی تدوین شده است و مسلماً حمایت از حق حیات کودکان و ممانعت از هر گونه تجاوز و نقض حق حیات آنان از مصادیق آن محسوب می‌شود. این کشتار بیرحمانه به وضوح بیانگر نقض فاحش ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد (ممنوعیت کاربرد زور) کنوانسیون‌های ژنو و اصول آمره مسئولیت کیفری فردی در جنایات جنگی به شمار می‌رود. همچنین نقض کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ در خصوص حمایت از اشخاص غیرنظامی در زمان مخاصمه مسلحانه بین‌المللی در این حملات کاملاً قابل استنباط است؛ این با هدف حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ تنظیم شده است که امروز ماهیت عرفی نیز دارد. ماده ی ۲۷ این کنوانسیون تصریح می‌کند که اشخاص غیرنظامی باید در تمام اوقات از احترام و حمایت لازم برخوردار باشند و ماده ی ۳۳

هرگونه مجازات جمعی، ارباب یا اقدامات تلافی جویانه علیه افراد غیرنظامی را منع می کند. در موضوع حاضر، تجاوز آشکار و کشتار گسترده دانش آموزان در میناب بدون هیچ حضور نظامی یا هدف جنگی، نقض فاحش اصول یادشده است. چنین حمله ای در هیچ یک از استثنایهای مشروعیت جنگی نمی گنجد. این کشتار وحشیانه که با اقرار مقامات کاخ سفید مبنی بر عمدی بدون حادثه همراه بود به استناد عدم رعایت مقررات پیش گفته نقض فاحش حقوق بشردوستانه بوده و نشان از عدم پایبندی رژیم نحس و دولت جنایتکار آمریکا به اصول اولیه حقوق بشری و انسانی می باشد براساس کنوانسیون حقوق کودک که ۵۴ ماده و ۲ پروتکل دارد، هر انسان کمتر از ۱۸ سال کودک محسوب می شود این کنوانسیون و ۲ پروتکل آن تاکید دارند که کودکان باید حق حیات داشته باشند و رشد کنند. شناسایی این حقوق برای دولت هایی که به این کنوانسیون ملحق شده اند و حتی برای سایر کشورها به عنوان عرف بین المللی ایجاد التزام می نماید و رفتار متخلفانه در این حوزه را مبنای مسئولیت بین المللی ناقض آن دولت به استناد مواد ۱ و ۲ طرح مسئولیت بین المللی دولت ها مصوب کمیسیون حقوق بین الملل سال ۲۰۰۱ می داند.

با توجه به اینکه حادثه ای مذکور در جریان مخاصمه ای مسلحانه ای بین المللی رخ داده است، لذا موضوع به وضوح در پرتو حقوق بین الملل بشردوستانه قابل بررسی است. در زمان جنگ اصول و قوانین خاص بشر دوستانه حتی در برابر دشمن نیز باید رعایت گردد. این قوانین به صورت چهار کنوانسیون ژنو در تاریخ ۱۲ آگوست سال ۱۹۴۹ و پروتکل های الحاقی آن در تاریخ ۸ ژوئن سال ۱۹۷۷ تنظیم شد. کنوانسیون های ژنو بر پایه احترام به فرد و عزت و شرف وی بنیان نهاده شده است. این کنوانسیون ها در راستای حمایت از حقوق غیرنظامیان و قربانیان جنگ و مصدومان و مجروحان وضع شده اند. پروتکل های الحاقی همچنین تصریح می کنند که طرف های درگیر در جنگ و نظامیان نباید به افراد و اهداف غیر نظامی حمله کنند و باید عملیات نظامی خود را مطابق با قوانین و مقررات به رسمیت شناخته شده بشر دوستانه هدایت و رهبری کنند.

کنوانسیون چهارم ژنو Fourth Geneva Convention مصوب ۱۹۴۹ در خصوص حفاظت از اشخاص غیرنظامی در زمان جنگ می باشد. بر اساس مواد ۱۴ و ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو و قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی، کشتار کودکان به شدت محکوم است. بر اساس ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون ژنو، طرف های درگیر موظف به تمایز بین غیرنظامیان و اهداف نظامی هستند. هدف گیری مستقیم غیرنظامیان توسط رژیم نحس اسرائیل و دولت جنایتکار آمریکا این اصل را نقض کرد. این حملات به استناد آخرین گزارش عفو بین الملل، توسط آمریکا صورت گرفته است. تلاش های ترامپ و دیگر سران کاخ سفید از کتمان واقعیت و انداختن بار مسئولیت بر دوش دیگران و حتی ایران، نمی تواند مسئولیت این دولت را از این فاجعه ای هولناک برطرف نماید. به وضوح، این کشتار متوجه دولت آمریکا است که باید مطابق با قواعد مسئولیت بین المللی دولت ها و البته مطابق با مسئولیت مندرج در حقوق بین الملل کیفری فردی پیگیری شود.

از منظر حقوق بین‌الملل کیفری، ضروری است افرادی که در این جنایت جنگی دخیل بوده و رفتار ارتكابی قابل انتساب به آنان است، مسئول شناخته شوند؛ ماده ۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی که منطبق بر کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو سایر مقررات و حقوق بشر و عرف جنگی است، اعمالی مانند هدف قرار دادن افراد غیرنظامی و بمباران آنها، حمله به ساختمان‌های مذهبی و علمی را جنایت جنگی محسوب می‌کند. پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب نوامبر ۱۹۸۹ که یک کنوانسیون بین‌المللی در راستای حمایت از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان بوده و مورد تایید مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفته لازم‌الاجرا است. تاکنون همه کشورهای عضو سازمان ملل این سند را تصویب کرده یا به آن ملحق شده‌اند؛ از این رو، کنوانسیون حقوق کودک، مقبول‌ترین سند حقوق بشری تاریخ است. براساس کنوانسیون حقوق کودک که ۵۴ ماده و ۲ پروتکل دارد، هر انسان کمتر از ۱۸ سال کودک محسوب می‌شود؛ این کنوانسیون و ۲ پروتکل آن تاکید دارند که هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد؛ کودکان باید حق حیات داشته باشند و رشد کنند. به رسمیت شناختن حق حیات کودکان البته که نیاز به تصویب کنوانسیون و قوانین بین‌المللی ندارد ولی بدان جهت که برای مسئول شناخت دولت‌ها و افراد در دادرسی‌های بین‌المللی نیاز به قواعد مدون و مصوب وجود دارد، این کنوانسیون به تنهایی می‌تواند مبنای طرح دعوی و انتساب مسئولیت به متجاوزین باشد. مسلماً متجاوزین که مدعی برخورداری از داده‌های قوی و اطلاعات کافی از حوزه‌های نظامی ایران هستند و حتی در ترورهای خود نیز این موضوع را به اثبات رسانده‌اند که دقت عمل بالایی دارند، نمی‌توانند مدعی بی‌اطلاعی از وجود مدرسه و حضور کودکان در آن باشند. تمامی شواهد و قرائن گویای این واقعیت است که این حمله عمدی بوده و با اهداف خصمانه علیه حق حیات کودکان بی‌گناه رخ داده است. اینکه هدف عایی از این کشتار چه بوده است؟ به نظر می‌رسد متجاوزین در گام نخست قصد داشتند به جهانیان ثابت کنند حقوق اولیه و اثبات شده‌ی بین‌المللی نیز مانعی برای اقدامات نظامی آن‌ها نیست و هیچ پایبندی به این اصول برای آن‌ها قابل تصور نمی‌باشد.

کمیته حقوق کودک سازمان ملل در بیانیه خود که در خصوص حملات اسرائیل در اکتبر ۲۰۲۳ صادر کرد از رنج عمیق کودکان ابراز خشم کرد و اعلام داشت درگیری‌های مسلحانه قبل از هر چیز به کودکان آسیب می‌زند و تأثیرات مادام‌العمر بر سلامت جسمی و روانی، رشد و در نهایت برخورداری از تمام حقوق آنها دارد. طبق ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها موظفند به قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه احترام بگذارند و از آنها اطمینان حاصل کنند و تمام اقدامات ممکن را برای تضمین حمایت و مراقبت از کودکان آسیب دیده از درگیری‌های مسلحانه انجام دهند. تمامی حقوقی که در کنوانسیون مورد بحث به آن تاکید شده، درباره اصول کلی کنوانسیون حقوق کودک هستند و به‌وسیله این اصول یعنی منع تبعیض، مصالح عالی، حق بر حیات، بقا و رشد و حق بر شنیده شدن شناخته می‌شوند. حق در امان بودن از خشونت، حق همبستگی خانواده، حق سلامت و حق آموزش از مهم‌ترین حقوقی هستند که در این کنوانسیون به آن‌ها به‌عنوان حقوق کودکان تاکید شده است. تمامی حقوقی که به نظر می‌رسد در تجاوز به مدرسه‌ی میناب نادیده گرفته شده است.

با توجه به اینکه تجاوز وحشیانه در قبال یک مرکز آموزشی و مدرسه رخ داده است، لذا نقض اساسی حق آموزش کودکان نیز در این بمباران و البته در دیگر بمباران‌های اعمال شده نسبت به مدارس دیگر در جنگ رمضان کاملاً آشکار است. براساس ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک، دسترسی کودکان به آموزش باید تضمین شده و نباید نقض شود. حق آموزش و برخورداری از تحصیل به عنوان مهم‌ترین حقوق کودکان در جهان در اسناد حقوق بشری و البته در کنوانسیون‌های خاص به رسمیت شناخته شده است. این حق توسط جامعه ملل در اعلامیه حقوق کودک سال ۱۹۲۴ با عنوان «اعلامیه ژنو» - به رسمیت شناخته شده است. این اعلامیه دارای منشور حمایت از کودکان است. در این اعلامیه صراحتاً حق تحصیل و آموزش به رسمیت شناخته نمی‌شود. بند دوم ماده‌ی ۱۳ منشور ملل متحد: ترویج همکاری بین‌المللی در رشته‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب را توصیه می‌کند. به عبارت دیگر منشور این وظیفه را بر عهده دولت‌های ملل متحد نهاده است تا دست کم زمینه آموزش برای دستیابی به صلح و حقوق بشر را برای همگان و فارغ از تبعیض‌ها و با همکاری تامین نمایند. ماده‌ی ۲۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ به عنوان اولین سندی که به شکل ویژه حق آموزش را مورد شناسایی قرار داده است شناخته می‌شود. کنوانسیون منع تبعیض در آموزش به عنوان یک کنوانسیون بین‌المللی الزام‌آور در این زمینه است که در سال ۱۹۶۲ لازم‌الاجرا شده است. در ماده‌ی ۳ این کنوانسیون برای دولت‌ها تکالیفی در خصوص رفع تبعیض در آموزش در نظر گرفته شده است. همچنین در ماده‌ی یک این کنوانسیون به تعریف و مصادیق تبعیض پرداخته است و هر گونه نابرابری را مشمول این عنوان می‌داند. با وجود اینکه ایجاد تکلیف برای دولت‌ها در اسناد بین‌المللی هرچند از ضمانت اجرای حقوقی کافی برخوردار نباشد ولی به جهت آنکه موجب مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌گردد و در مشروعیت این حاکمیت‌ها در صحنه‌ی بین‌المللی می‌تواند موثر باشد، نقش مهمی در پایبندی به اجرای این حق دارد.

در حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بشردوستانه و نیز در کلیت آن در حقوق شناخته شده‌ی بشری، حق حیات و عدم تعرض و تجاوز به حقوق کودکان، به عنوان یک قاعده‌ی مسلم و پذیرفته شده‌ی بین‌المللی می‌باشد که به استناد مقررات پیش‌گفته به اثبات رسید. این موضوع در کنار تجاوز به مراکز غیرنظامی و نقض حق آموزش با بمباران مدارس توسط دولت آمریکا و رژیم صهیونی به عنوان یکی از مصادیق بارز از نقض حقوق بین‌الملل قابل شناسایی است. انتظار می‌رود نهادهای حقوق بشری و نیز فعالان این حوزه در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی نسبت به محکومیت این اقدام وحشیانه اقدام نمایند. موضوعی که اگر نادیده گرفته شود، به این دو رژیم جنایتکار اجازه خواهد داد هرگونه تعهد بین‌المللی را نادیده بگیرند و بر جسارت‌های خود بیفزایند.

**Title :**

**Bombardment of Minab School from the  
perspective of international law**

**the writer:**

**Mahmoud Rashnavaz**

**Doctoral student of International Law, Emirates  
Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE**

**member of the center of lawyers, official experts  
and consultants of the judiciary**

۲۰۲۶/۰۳/۱۹

از خون کودکان وطن لاله دمیده